

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۶/۰۲

موضوع: سخنرانی در حوزه علمیه بیرجند

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و شاکریم که به ما توفیق داد در جمع شما بزرگواران و اعزاء حضور پیدا کنیم و شما گرامیان را زیارت کنیم.

قبل از شروع، این ایام مبارک دهه ولایت و عید غدیر خم عید الله الأكبر و میلاد امام کاظم که سپری شد را خدمت شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم.

فرداشب، شب مباهله و اثبات حقانیت رسول گرامی اسلام و اعلان افضلیت خمسه طیبه را به شما بزرگواران تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

در رابطه با موضوعات زیادی می‌توان صحبت کرد. الآن با توجه به تهاجم گسترده‌ای که به مکتب اهل بیت است، چه در داخل و چه در خارج قطعاً تکلیف و مسئولیت ما حوزویان را دو چندان می‌کند.

در طول تاریخ هجمه علیه مکتب تشیع زیاد بوده است. از لحظات آغازین اعلان ولایت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در یوم الله غدیر خم بعد از نزول آیه شریفه:

## (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)

خویشاوندان نزدیکت را انذار کن.

سوره شعراء (۲۶): آیه ۲۱۴

وقتی رسول اکرم رسالت خود را مقرون به ولایت امیرالمؤمنین اعلام کرد، دست بر شانه حضرت گذاشتند و فرمودند:

«أَدْعُوكُمْ إِلَيْهِ فَأَيُّكُمْ يُؤَازِرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَصِيي وَخَلِيفَتِي فَيَكُمُ»

در همانجا وارد شده است:

«فَقَامَ الْقَوْمُ يَضْحَكُونَ وَيَقُولُونَ لِأَبِي طَالِبٍ قَدْ أَمَرَكَ أَنْ تَسْمَعَ لِابْنِكَ وَتَطِيعَ»

مردم بلند شدند، مسخره کردند و به ابوطالب طعنه زدند که محمد به تو دستور می‌دهد از فرزند خردسالت تبعیت کنی.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج ۱، ص ۵۴۲، باب ذكر الخبر عما كان من أمر نبي الله عند ابتداء الله تعالى ذكره إياه بإكرامه بإرسال جبريل عليه السلام إليه بوحية

بعد از او هم در مناسبتی جایگاه امیرالمؤمنین برای مردم توسط رسول اکرم روشن می‌شد و این هجمه‌ها نمود دیگری پیدا می‌کرد.

مشاهده کنید در قضیه «سد الأبواب» مردم همه دادشان درآمد که پیغمبر اکرم درهای ما را به مسجد بست، اما در خانه علی بن ابی طالب را نبست. در ادامه رسول گرامی اسلام بالای منبر تشریف می‌برند و می‌فرمایند:

## «ما سددت أبوابكم و لا فتحت بابہ بل اللہ سد أبوابكم»

من درهای خانه شما را نبستم و من در خانه علی را باز نگذاشتم، بلکه خدا درهای خانه شما را به

مسجد بست.

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۱۳۳، پاورقی ۵

در قضیه تزویج حضرت صدیقه طاهره بسیاری از صحابه در صف خواستگاری از حضرت بودند که در رأس آنها خلیفه اول و دوم اهل سنت حضور داشتند. رسول اکرم دست رد بر سینه همه زدند و خودشان به امیرالمؤمنین پیام دادند که برای خواستگاری از حضرت فاطمه زهرا بیاید.

پس از این قضیه تبلیغات علیه رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین شروع شد و بازهم رسول اکرم سوگند یاد می کنند که به خدا سوگند من زهرا را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا این کار را انجام داد.

شاید اگر این قضایا را در دوران رسالت بشماریم، بیش از سی مورد هجمه و تبلیغ گسترده علیه امیرالمؤمنین وارد شده است. افراد بسیاری ادعا می کنند که چرا قضیه غدیر خم در مکه صورت نگرفت.

حدیث «خلفائی اثنا عشر» که یکی از بزرگترین دلایل حقانیت مذهب اهل بیت و شیعه امامیه است و این حدیث جز با مذهب امامیه با هیچ یک از مذاهب اسلامی چه شیعه زیدیه که چهار امامی هستند، چه اسماعیلیه که شش امامی هستند یا اهل سنت تطبیق نمی کند.

«بخاری» و «مسلم» در کتب خود هفده یا هجده مورد حدیث «خلفائی اثنا عشر» را مطرح می کنند. مشاهده کنید که رسول گرامی اسلام در حجة الوداع صحابه را جمع کردند و وقتی می فرمایند:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٣، ص ١٤٥٣، ح ١٨٢٢

صحابه غوغا به راه می اندازند؛

«فَكَبَّرَ النَّاسَ وَضَجُّوا وَقَالَ كَلِمَةً خَفِيَّةً»

مردم شروع به تکبیر گفتن و ضجه زدن کردند تا صدای پیغمبر اکرم به گوش مردم نرسد.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ٥، ص ٩٨، ح ٢٠٩٦٥

مردم به قدری سروصدا کردند که صدای پیغمبر اکرم به گوش مردم نرسد. «سمره» می گوید: به قدری سروصدا شد که گوش ما را کر کرد. از پدرم سؤال کردم: پیغمبر اکرم چه فرمود؟ پدرم گفت که پیغمبر اکرم فرمود:

«كلهم من قُرَيْشٍ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٦، ص

٢٦٤٠، ح ٦٧٩٦

حال آنکه در بعضی از اسانید اهل سنت وارد شده است:

«كلهم من بني هاشم»

روایت یافت نشد

بازهم بنده معتقدم این حدیث هم از معجزات اهلیت است که واژه «خلفائی اثنا عشر» بدون تحریف به دست ما رسیده است. البته در مقدمه و بعد از این روایت تحریفات زیادی صورت گرفته است، اما اصل واژه «اثنًا عَشَرَ خَلِيفَةً» دست نخورده برای ما باقی مانده است.

در کتب مختلف از جمله «صحیح بخاری»، «صحیح مسلم»، «مسند أحمد بن حنبل» و «سنن نسائی» همه این روایت را با سندهای صحیح نقل کردند. حدیث ۴۵۸۹ از کتاب «صحیح مسلم» این قضیه را مفصل نقل کرده است.

«ابن حجر عسقلانی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است. اهل سنت دو نفر عالم به نام «ابن حجر» دارند. اولین نفر «ابن حجر مکی» است که زیاد برای او اهمیت قائل نیستند. ایشان صاحب کتاب «صواعق المحرقة» متوفای ۹۷۴ هجری است.

شخص دیگر «ابن حجر عسقلانی» متوفای ۸۵۲ هجری است. قول معروفی است که می‌گویند اهل سنت عیال کنار سفره سه نفر هستند؛ «ذهبی»، «ابن حجر عسقلانی» و «زین الدین عراقی».

ایشان الحق و الانصاف ملا است. اگر شما کتب فقهی، کتب رجالی و شرحی که او بر کتاب «صحیح بخاری» به نام «فتح الباری» نوشته است را ملاحظه کنید، متوجه می‌شوید که او ملأ و کارکرده است.

او در ادبیات و رجال و حدیث و هر جایی وارد می‌شود، قهرمانانه وارد می‌شود؛ برخلاف «بدرالدین عینی» و دیگران. «نووی» که او را «فقیه الأمة» می‌شناسند، در کتاب «شرح صحیح مسلم» همانند «ابن حجر عسقلانی» ورود پیدا نکرده است.

همین شخص با این اقتدار علمی زمانی که به حدیث «خلفائی اثنا عشر» می‌رسد، زمین و زمان را به هم پیوند می‌دهد و خود را به در و دیوار می‌زند تا مصداقی برای این حدیث پیدا کند.

او در توجیه این روایت ابوبکر و عمر و عثمان و امیرالمؤمنین و امام حسن و معاویه و یزید را نام می‌برد. مگر امکان دارد که یزید خلیفه پیغمبر اکرم باشد، زیرا روایت قید دارد که این دوازده خلیفه به عدالت و تقوا امر می‌کنند. تنها چیزی که در یزید سراغ نیست عدالت است.

او سپس «عمر بن عبدالعزیز» که را انسان خوبی می‌داند به لیست این دوازده نفر اضافه می‌کند. پس از آن به سراغ خلفای بنی امیه می‌رود، اما کسی را پیدا نمی‌کند. او سپس به سراغ سی و شش نفر از خلفای بنی عباس می‌رود و از میان آن‌ها هم کسی پیدا نمی‌کند.

او در نهایت اقرار می‌کند که اصلاً ما معنای حدیث پیغمبر اکرم را نفهمیدیم!!! این عملکرد کسی است که فقیه توانا و اصولی قدرتمند و رجالی قوی اهل سنت است. او ادعا می‌کند که من از هرکسی سؤال کردم، نتوانست اسامی این دوازده نفر را به من بگوید.

«ابن جوزی» می‌گوید: من هرجایی کتابی در رابطه با حدیث «خلفائی اثنا عشر» نوشته بودند را مطالعه کردم، اما کسی از علمای اهل سنت را پیدا نکردم که معنای حدیث را فهمیده باشد.

معنای حدیث که خیلی روشن است و احتیاجی به فهمیدن ندارد! حضرت می‌فرماید: خلفای من دوازده نفر هستند. اگر شما به یک کودک خردسال هم بگویید، می‌فهمد که «خلفائی اثنا عشر» چه کسانی هستند.

او می‌خواهد بگوید که من نتوانستم مصداقی برای این روایت پیدا کنم، زیرا چیزی از اسلام در ذهنش درست کرده که می‌خواهد احادیث و مفاهیم سنت را با بافته‌های ذهنی خود تطبیق دهد و نمی‌تواند. «فخر رازی» که الحق و الانصاف شخص ملایی است، در آیه شریفه:

**(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)**

اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را.

## سوره نساء (۴): آیه ۵۹

می‌نویسد که واجب است **(أُولَى الْأَمْرِ)** معصوم باشد. اگر قرار باشد **(أُولَى الْأَمْرِ)** معصوم نباشد، دستور خدا به اطاعت مطلق از **(أُولَى الْأَمْرِ)** لغو بلکه تناقض لازم می‌آید.

اگر **(أُولَى الْأَمْرِ)** اهل معصیت باشند، به معصیت امر کنند و خدا هم به **(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ)** دستور بدهد، لازم می‌آید که ما باید در کارهای خلاف شرع از آنها تبعیت کنیم.

حال آنکه ما یقین داریم خداوند به افراد در امور گناه دستور به تبعیت نمی‌دهند. او این حدیث را بسیار پایین و بالا می‌کند و در نهایت می‌گوید:

آیه قطعاً بر عصمت **(أُولَى الْأَمْرِ)** دلالت می‌کنند، اما ما چکار کنیم که ابوبکر و عمر و عثمان و دیگر خلفا معصوم نبودند. لازم است که ما حتماً از ظاهر آیه دست برداریم.

این توجیهات، توجیهاتی است که شاید در دنیا بتوانید بعضی افراد را با آن قانع کنید؛ فردای قیامت چه جوابی دارید؟!

مشاهده کنید در بحث وضو علمای اهل سنت ادعا می‌کنند که ما پشت سر علمای شیعیان نماز نمی‌خوانیم، زیرا وضوی آنها باطل است. اگر شما با اهل سنت صحبت کنید، هیچ دلیلی ندارند.

ما به آنها می‌گوییم که ما پشت سر علمای شما نماز می‌خوانیم و شما هم باید پشت سر علمای ما نماز بخوانید. آنها ادعا می‌کنند که ما پشت سر علمای شما نماز نمی‌خوانیم، زیرا وضویتان باطل است. دلیل باطل بودن وضوی شیعیان این است که پایشان را نمی‌شویند.

خیلی عجیب است. در کتاب «صحیح بخاری» حدیث شماره ۶۰ و ۹۸ به صراحت وارد شده است:

«وَنَحْنُ نَتَوَضَّأُ فَجَعَلْنَا نَمْسُحُ عَلَى أَرْجُلِنَا»

ما صحابه وضو می گرفتیم و بر پاهایمان مسح می کشیدیم.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص

٣٣، ح ٦٠

اهل سنت شاید بیش از صد روایت دارند که پیغمبر اکرم وضو می گرفتند و بر پای خود مسح می کشیدند، امیرالمؤمنین بر پای خود مسح می کشیدند، ابوبکر بر پای خود مسح می کشید، عمر بن خطاب بر پای خود مسح می کشید.

همچنین وارد شده است که «أنس بن مالك» بر پای خود مسح می کشید، «ابو سعيد خدری» بر پای خود مسح می کشید، «عكرمه ناصبی» بر پای خود مسح می کشید. در این روایات حرفی از غسل ندارد. «ابن عباس» می گوید:

«هما غسلتان ومسحتان وعنه أمر الله بالمسح وأبى الناس إلا الغسل»

عمدة القاری شرح صحيح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بيروت، ج ٢، ص ٢٣٨، باب ما جاء في الوضوء

با تمام این احوالات وضویی که از دیدگاه خودشان باطل است را صحیح می دانند و وضویی که از دیدگاه «صحيح بخاری» صحیح است را باطل می دانند.

جالب است که «محمد رشید رضا» در کتاب تفسیر خود حرف زیبایی زده که وقتی انسان آن را می خواند،

می فهمد که این افراد چقدر سنی هستند و با سنت پیغمبر اکرم أنس دارند!!



او ادعا می‌کند که قرآن به مسح سفارش کرده است، سنت به مسح سفارش کرده است، سیره صحابه به مسح سفارش کرده است. حال ائمه ما پاهای خود را می‌شویند. ما ناگزیریم از قرآن و سنت دست برداریم و به سیره بزرگان و ائمه خود عمل کنیم.

حال این افراد فردای قیامت چه پاسخی دارند، الله أعلم. این قضایا در طول تاریخ بسیار واضح و روشن است.

چه هجمه‌های مستقیم و چه هجمه‌های غیر مستقیم، چه هجمه‌های ایجابی و چه هجمه‌های سلبی در طول تاریخ چه در زمان ائمه اطهار و چه در زمان غیبت صغری بوده است.

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های ائمه اطهار تربیت نیروهای مقتدر برای پاسخگویی به هجمات و شبهات است. اگر شما کتاب «رجال کشی» را ملاحظه کنید، در شرح حال بسیاری از روایات اهمیت این موضوع را خواهید دید.

در شرح حال اصحاب از جمله «مؤمن الطاق»، «ابو جعفر أحول»، «هشام بن سالم»، «هشام بن حکم»، «حمران بن أعین»، «أبان بن تغلب» و «قیس بن ماصر» وارد شده است که تنها برای مناظره و پاسخگویی به شبهات تربیت شده مکتب امام صادق هستند.

«مرحوم طبرسی» در کتاب «إحتجاج» جلد اول صفحه ۱۹ روایتی از امام صادق نقل می‌کند که شاید دوستان بارها دیده باشند و برای مردم نقل کرده باشند. من می‌خواهم تحلیل بسیار ظریفی از این روایت داشته باشیم. حضرت در این روایت می‌فرماید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثُّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيئَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ

شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ التَّوَابِطُ»

دانشمندان پیروان ما همانند مزددارانی هستند که تمام وقت در برابر ابلیس و لشگرهایش صف کشیده و از یورش آن‌ها به افرادی از شیعیان ما که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ابلیس و پیروان ناصبی او، بر آن‌ها پیشگیری می‌کنند.

عرب از «مُرَابُطٌ» به مرزبان تعبیر می‌کند؛ به معنای کسی که در سرحدات بیست و چهار ساعته بیدار است و مراقب است دشمن وارد مرز نشود و اگر وارد مرز شد به او امان ندهد.

چشم مرزبان بیست و چهار ساعته باز است و اسلحه‌اش آماده شلیک است و دستش روی ماشه است. در تمام کشورها تنها جایی که یک مأمور در شلیک کردن نیاز به اجازه فرمانده خود ندارد، مرزبان است.

اگر مرزبان کوچک‌ترین تحرکی از طرف دشمن به طرف مرز شود، دست روی ماشه است تا او را به رگبار ببندد. کوچک‌ترین کوتاهی هم قابل بخشش نیست.

بنابراین امام صادق علمای شیعه را به مرزبان یا مزددار یا کسی که در مرزها مراقب نفوذ شیاطین و نواصب هستند تشبیه می‌کنند. حضرت در ذیل روایت می‌فرماید:

«أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ»

آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند هزار هزار بار بالاتر از سپاه‌یانی است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر پیکار می‌کنند.

«لَأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ»

زیرا دانشمندان نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دوستان ما هستند در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱،

ص ۱۷، فصل فی ذکر طرف مما أمر الله فی کتابه من الحجاج و الجدل بالتی هی أحسن و فضل أهله

بنابراین می بینیم که ائمه بزرگوار نیروهای غدیری در این زمینه تربیت می کنند، آن ها را تشویق می کنند و به مناظره با بزرگان معاصرین اهل سنت یا نواصب وادار می کنند و خودشان تماشا می کنند تا ببینند که شاگردانشان چطور مناظره می کنند و با مخالفین می جنگند.

شما به «رجال کشی» حدیث ۴۷۴ مراجعه کنید که «مرحوم کلینی» روایت را با مقداری تغییر در کتاب «کافی» جلد اول «کتاب الحجّة» باب «بَابُ الْأَضْطِرَارِ إِلَى الْحُجَّةِ» حدیث دوم یا سوم از «یونس بن یعقوب» وارد شده است.

راوی روایتی را مفصل در اینجا نقل می کند که خیلی جالب و زیباست. می توان این روایت را به دوازده جلسه یک ساعت و نیم تبدیل کرد و روی آن تحلیل می کرد و بسیاری از قواعد و فن مناظره را از آن بیرون آورد.

«یونس بن یعقوب» می گوید: روزی با امام صادق در منا در خیمه نشستیم. مردی از منطقه شامات وارد خیمه شد، سلام گفت و عرضه داشت:

«إِنِّي رَجُلٌ صَاحِبُ كَلَامٍ وَ فِقْهِ وَ فَرَائِضٍ وَ قَدْ جِئْتُ لِمُنَاطَرَةِ أَصْحَابِكَ»

او قصد داشت که با امام صادق مناظره کند، پیروز شود و خبر پیروزی اش را در منطقه شامات برای مردم بیان کند. جالب است که حضرت به «یونس بن یعقوب» دستور می دهد بیرون برو و از میان اصحاب کسانی که در علم کلام و فن مناظره وارد هستند، پیدا کن و در خیمه بیاور.

بنده هرگاه این روایت را مطالعه می کنم و آن را نقل می کنم لذت می برم. حضرت به «یونس بن یعقوب» می فرماید:

«يا يونس لو كنت تحسن الكلام كلمته»

امام صادق به من فرمود: ای یونس! اگر تو در علم کلام متخصص بودی، با او بحث می کردی!

«قال يونس فيا لها من حسرة»

یونس بن یعقوب گفت: حسرت می خورم که علم کلام نمی دانم!

«اخرج إلى الباب فانظر من ترى من المتكلمين فأدخله»

برو بیرون ببین کسی از متکلمین را می بینی تا بیاوری با این مرد شامی مناظره بکند؟

«قال فأدخلت حمران بن أعين و كان يحسن الكلام و أدخلت الأحول و كان يحسن الكلام و أدخلت

هشام بن سالم و كان يحسن الكلام و أدخلت قيس بن ماص و كان عدي أحسنهم كلاماً»

من رفتم و حمران بن اعین که متکلم خوبی بود را آوردم. ابوجعفر احوال (مؤمن الطاق) که متکلم خوبی

بود را آوردم. هشام بن سالم نیز که در کلام متخصص بود را آوردم. همچنین قیس بن ماصر که به نظر

من در علم کلام از همه اینها باسواتر بود را نیز آوردم.

لازم به ذکر است که «ابو جعفر احوال» قهرمان علم مناظره بود و در حاضر جوابی بدیلی نداشت. «قیس بن

ماصر» در علم مناظره و کلام تربیت یافته امام سجاد است.

معلوم می شود ائمه اطهار از جمله امام سجاد با تمام محدودیتی که داشتند، نیروهای غدیری برای پاسخ به

شبهات و مناظره دعوت کردند.

«یونس بن یعقوب» می گوید: من این افراد را پیدا کردم و داخل خیمه آوردم، اما متوجه شدم که دل امام

صادق آرام نگرفت و گاهی از پنجره خیمه بیرون را نگاه می کنند گویا منتظر کسی هستند.

مرد شامی خیلی به خود مغرور هستند؛ باید کسی بیاید که ضربه شصتی به او نشان بدهد که تا ابد فکر مناظره را از ذهن خود بیرون کند.

من دیدم که حضرت از پنجره خیمه بیرون نگاه می‌کند و چشمش به دنبال کسی است. یک مرتبه دیدیم که از دور شترسواری به سمت خیمه می‌آید. وقتی که او نزدیک شد، یک مرتبه چهره امام صادق باز شد، چشمانش برق زد، گل از گلش شکفت و بی‌اختیار فریاد زد:

### «فَقَالَ هِشَامٌ وَ رَبِّ الْكُفْبَةِ»

حضرت در این هنگام فرمود: به خدای کعبه قسم که هشام آمد.

«هشام» چه کسی است که امام از دیدن او اینقدر خوشحال شد. او جوانی هفده یا هجده ساله بود که حتی موی صورتش کاملاً درنیامده بود.

حضرت با دیدن «هشام» تمام قد ایستادند و او را در کنارش نشاندهند و جمله‌ای فرمودند که اگر شما تمام ثروت روی زمین و مقام‌های روی زمین را در یک کفه قرار بدهید و این جمله امام صادق به «هشام» را در یک کفه قرار بدهید، والله جمله امام صادق سنگینی می‌کند.

والله العلی الأعلى ارزش جمله امام صادق از تمام دنیا و ما فی الدنيا بالاتر است. حضرت به «هشام» فرمود:

### «نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

هشام با قلب و زبان و دستش یاور و یاری‌گر ماست.

چقدر لذت‌بخش و زیباست! ما از نقل این روایت لذت می‌بریم و می‌خواهیم از خوشحالی پرواز کنیم. حال حساب کنید «هشام» نوجوان در آن لحظه چه حالی داشت.

داستان این مناظره مفصل است. حضرت می‌فرماید: در چه زمینه‌ای می‌خواهی مناظره کنی؟ مرد شامی می‌گوید: من می‌خواهم در علوم قرآنی با شما مناظره کنم. حضرت به «حمران بن أعین» می‌فرماید:

«يَا حُمْرَانُ كَلِّمِ الرَّجُلَ»

حمران بلند شو و با مرد شامی مناظره کن.

فرمایش امام صادق به مزاق مرد شامی خوش نمی‌آید و عرضه می‌دارد:

«إِنَّمَا أُرِيدُكَ أَنْتَ لَا حُمْرَانَ»

من می‌خواهم با شما مناظره کنم، نه با حمران.

دوستان عزیز مشاهده کنید جمله امام صادق نسبت به «حمران» برادر «زراره» چیست. آن‌ها هشت برادر بودند که همگی برای شیعه افتخار آفرین هستند. حضرت فرمود:

«إِنْ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

اگر بر حمران پیروز شدی، بر من پیروز شده‌ای.

رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد

بن الحسن / مصطفوی، حسن، ص ۲۷۶، ح ۴۹۴

دقت داشته باشید این جمله معصوم و حجت الهی است و جمله فلان عالم و استاندار و حاکم و وزیر و نخست وزیر و مرجع تقلید نیست. این جمله حجت الهی است که سخن او جز سخن حق چیز دیگری نیست.

حضرت آنچنان به این شاگرد تربیت یافته خود خاطر جمع است که چنین فرمایشی را می‌فرمایند. این فرمایش امام صادق در تاریخ ثبت شده و باقی مانده است. مشاهده کنید که امام صادق چه نیروهایی تربیت کردند.

وقتی که مرد شامی ادعا می‌کند من می‌خواهم در حوزه ادبیات عرب بحث کنم، حضرت به «أبان بن تغلب» دستور مناظره می‌دهند. حتماً می‌دانید که «أبان بن تغلب» تنها کسی است که اجازه اجتهاد از دست امام صادق گرفته است. حضرت به او فرموده است:

### «اجلس فی مسجد المدینة و أفت الناس فانی أحب أن أری فی شیعتی مثلک»

تاریخ فقه و فقه، نویسنده: أبو القاسم گرجی، وفات: معاصر، رده: مصادر تاریخ، خطی: خیر، چاپ:

الثامنة، سال چاپ: زمستان ۱۳۸۵ ش، ص ۳۱۵، باب دوره اول: دوره تاسیس

او به مرتبه‌ای رسیده که حضرت به او دستور افتاء می‌دهد و او می‌تواند فتوا صادر کند. به بیان دیگر او عارف به؛

### «عَلَيْنَا الْقَاءُ الْأُصُولِ إِلَيْكُمْ وَ عَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲، ص

۲۴۵، ح ۵۳

است. به دستور حضرت «أبان» با مرد شامی مناظره می‌کند و او را شکست می‌دهد. مرد شامی ادعا می‌کند که می‌خواهم در فقه مناظره کنم، حضرت به «زراره» دستور مناظره می‌دهد.

مرد شامی ادعا می‌کند که می‌خواهم در علم کلام مناظره کنم و حضرت هم «هشام بن سالم» را به مناظره فرا می‌خوانند.

مشاهده کنید حضرت برای هر رشته نیروی غدر و متخصص تربیت کرده است و همانند دوران ما نیست که ۵ سال حوزه علمیه بیاییم و در فقه و اصول و کلام و فلسفه و ادبیات خود را متخصص بدانیم.

بحث‌های درسی ما بحث‌هایی است که نه گرسنه‌ای را سیر می‌کند و نه تشنه‌ای را سیراب می‌کند. اگر مخالفین چند سؤال از ما بپرسند ما چشممان را بر هم می‌زنیم و توانایی پاسخگویی داریم.

بنده عرض کردم که عزیزان این روایت را مخصوصاً در کتاب «رجال کشی» صفحه ۴۷۴ ملاحظه کنند که بسیار روایت زیبایی است.

مرد شامی به امام صادق عرضه می‌دارد شکست‌های مرا با شاگردان خود نادیده بگیرید و بیایید در امامت با هم مناظره کنیم. او چنین می‌پنداشت که اگر در امامت با امام صادق مناظره کند، می‌تواند همه شکست‌های خود را جبران کند.

حضرت به نوجوان کنار دست خود نگاه می‌کند و می‌فرماید: بلند شو و ضربه شصتی به این مرد شامی نشان بده. مرد شامی به چهره «هشام» نگاه می‌کند و با خود می‌پندارد که خوب شد تلافی شکست‌هایم را با شکست دادن این نوجوان جبران می‌کنم.

تعبیر امام صادق نسبت به مناظره «هشام» این بود که به مرد شامی فرمودند: این نوجوان هفده ساله آنچنان عرصه را بر تو تنگ کرد و زمین و زمان را بر تو بست که فرصت فروبردن آب دهان را از تو گرفت. چنین مناظره کردن جلوی حجت الهی و چنین برگ افتخار گرفتن!!!

دوستان حال ما چه کارهایی انجام دادیم! ما بین خود و خدایمان اگر روزی خدمت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) برسیم و در جمعی خدمت حضرت شرفیاب شویم، حضرت هم به ما چنین برگ افتخاری می‌دهند؟ آیا

حضرت به ما هم می‌فرمایند: «**نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ**»!؟



وقتی که مناظره تمام می‌شود، حضرت همانند مربیان فوتبال که نقاط ضعف و نقاط قوت بازیکنان را گوشزد می‌کند، بعد از مناظره نقاط قوت و ضعف هر کدام از متکلمین از جمله «هشام بن سالم»، «زراره» و «قیس بن ماصر» را به آن‌ها گوشزد می‌فرماید.

«یونس بن یعقوب» می‌نویسد: من منتظر بودم تا ببینم حضرت به «هشام بن حکم» چه اشکالاتی را وارد می‌کنند، اما زمانی که نوبت به او رسید امام صادق به «هشام» فرمود:

**«مِثْلُكُمْ فَلَيْكُمُ النَّاسُ فَاتَّقِ الزَّلَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»**

مانند تویی باید با مردم بحث کند. از لغزش پرهیز که شفاعت ما پشت سر توست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۱۷۱، ح ۴

دوستان عزیز بینی و بین الله و قسم به جان حضرت ولی عصر در آخر وقت که می‌خواهیم استراحت کنیم، کارمان در حدی هست که اگر حضرت ولی عصر اینجا باشند از ما اعلان رضایت کنند یا خیر؟

آیا بینی و بین الله کاری که از ابتدای صبح تا وقت استراحت انجام دادیم، در حدی هست که خودمان از خودمان راضی باشیم؟ آیا عمل‌هایمان خالص برای خداوند است؟

آیا با اعمال خود عده‌ای را منقلب کردیم؟ آیا گناهکاری را از مسیر گناه برگرداندیم؟ آیا شبهات را از ذهن جوان آلوده‌ای که گرفتار شبهه شده بیرون کردیم؟ آیا جوانی منحرف از اهل بیت را به طرف اهل بیت کشاندیم؟

راوی خدمت امام صادق (علیه السلام) می‌آید و عرضه می‌دارد: در میان بستگان ما شخصی شیعه نیست. آیا ما می‌توانیم که او را به طرف مذهب اهل بیت دعوت کنیم؟ حضرت می‌فرماید:

## «مَنْ أَحْيَا مُؤْمِنًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۲۰۴، ح ۲۰

ما رسالتی داریم و آن نشر فرهنگ اهل بیت و به دست آوردن رضایت مولایمان حضرت ولی عصر است که بسیار مقفول مانده است. روزها و ساعت‌ها می‌گذرد و به یاد حضرت ولی عصر نیستیم.

شخصی خدمت حضرت آیت الله العظمی بهجت می‌رسد و عرضه می‌دارد: ما چکار کنیم که گناه نکنیم؟ ایشان می‌فرمایند: زیاد به یاد امام زمان باشید.

وقتی از خواب بلند می‌شوید قبل از آنکه از رختخواب بلند شوید تا برای وضو گرفتن بیاید، تمام قد بایستید دو دست بر سینه بگذارید و بگویید: «السلام علیک یا صاحب الزمان».

وقتی وضو گرفتید و می‌خواهید نماز بخوانید، بگویید: «السلام علیک یا صاحب الزمان». وقتی که نماز خواندید و می‌خواهید بلند شوید بگویید: «السلام علیک یا صاحب الزمان». وقتی می‌خواهید سرکار بروید، بگویید: «السلام علیک یا صاحب الزمان».

وقتی سر درس رفتید بر امام زمان سلام بدهید. وقتی می‌خواستید مباحثه کنید بر امام زمان سلام بدهید. وقتی از درس و مباحثه برمی‌گردید و می‌خواهید غذا بخورید و استراحت کنید بر امام زمان سلام بدهید.

آخرین لحظه قبل از رفتن به رختخواب تمام قد بایستید، دو دست بر سینه بگذارید و بر حضرت ولی عصر سلام بدهید. اگر این کار را کردید، یقیناً شیطان به شما تسلط پیدا نخواهد کرد. آیا ما در طول ۲۴ ساعت شبانه روز به

یاد حضرت ولی عصر هستیم؟

استادی به نام آیت الله العظمی شوشتری داشتیم که سال ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ خدمت ایشان منطبق می‌خواندیم. خیلی عجیب بود که ایشان وقتی کتاب را باز می‌کرد، می‌گفت: «یاذن الله و اذن ولیه». وقتی می‌خواست بحث را شروع کند، می‌گفت: «یاذن الله و اذن ولیه».

وقتی بلند می‌شد، می‌گفت: «یاذن الله و اذن ولیه». وقتی می‌خواست کفش خود را بپوشد، می‌گفت: «یاذن الله و اذن ولیه». وقتی می‌خواست کفش خود را در بیاورد، وقتی می‌خواست بنشیند و وقتی می‌خواست بلند شود دائماً «یاذن الله و اذن ولیه» می‌گفت.

وقتی انسان با ایشان بود، احساس می‌کرد که در محضر حضرت ولی عصر است. ایشان به قدری نام حضرت ولی عصر را به زبان می‌آورد که اصلاً آدم از خودش خجالت می‌کشید.

یکی از اولیاء الله خدمت مرحوم آیت الله العظمی کوهستانی می‌رسد و به ایشان می‌گویند: حضرت ولی عصر از شما تشکر کرد. ما می‌بینیم شما زیاد به یاد ما هستید.

### «اکثروا الدعاء لتعجيل الفرج، فان ذلك فرجهما»

طبق این روایت فرج و گشایش شما همین است. ما در روایت دیگر داریم که خداوند عالم به کسی که می‌خواهند عنایت کنند تا مشکلاتش را برطرف کند، توفیق دعا برای فرج می‌دهد.

عزیزان الآن ما در عصری زندگی می‌کنیم که در طول این چهارده قرن در هجمه بی‌نظیر است. اگر رسانه‌های بین‌المللی را ببینید به این نتیجه خواهید رسید. دانشگاه علم و صنعت اصفهان تحقیقات میدانی داشتند که در نهایت به این نتیجه رسیدند:

الآن ما در خاورمیانه بیش از سیصد شبکه ماهواره‌ای داریم که در اختیار وهابیت است. آن‌ها شبانه روز علیه شیعه تبلیغ می‌کنند.

یکی از دانشمندان اهل سنت کانادا می‌نویسد: من در فضای مجازی تحقیقات میدانی داشتم. به این نتیجه رسیدم که از میان سه سایت و وبلاگ در اینترنت دو سایت آن متعلق به وهابیت و سلفی‌هاست.

اگر به اپلیکیشن‌هایی همانند واتس آپ و تلگرام قوت کنید، می‌بینید کانال‌ها و گروه‌هایی که در اختیار سلفی‌هاست و علیه شیعه تبلیغ می‌کنند چقدر است و گروه‌ها و کانال‌هایی که در اختیار تشیع است چقدر است.

اجازه بدهید من جسارتی خدمت شما بزرگواران کنم. معمولاً نود درصد از کسانی که در فضای مجازی کار می‌کنند با بنده مرتبط هستند و خدا هم توفیق داده که ما این راه را برای بسیاری از افراد گشودیم.

گاهی اوقات آخر شب دو یا سه ساعت در فضای مجازی هستم و به جواب‌ها و مناظراتی که دوستان ما به مخالفین می‌دهند دقت می‌کنم.

اگر جایی احساس کنم که نقاط ضعف دارند، سریع با آن‌ها تماس می‌گیرم و نقاط ضعفشان را به آن‌ها گوشزد می‌کنم. عنایت الهی است که دوستان هم از بنده حرف شنوی دارند.

حضور روحانیت در فضای مجازی بسیار بسیار کم‌رنگ است. از میان هر صد نفری که در فضای مجازی در برابر سلفی‌ها و وهابیت و یمانی‌ها جواب می‌دهند، کمتر از ده نفر از حوزه‌های علمیه هستند. این آمار واقعاً مایه تأسف است، زیرا رسالت اولیه وظیفه ماست.

جوانان دانشگاهی یا معلم یا کاسب در فضای مجازی با وجود آنکه ادبیات عربی را درست نخوانده و عبارت‌ها را نادرست می‌نویسد. همین مسئله باعث می‌شود که مخالفین او را مسخره کنند و دست بیندازند.

تنها کسی که در این حوزه کار کرده و تخصصاً وارد شده و مبادی را خوب یاد گرفته ما حوزویان هستیم. رسالت و وظیفه هم مال ماست و ما باید پیش قدم باشیم.

به تعبیر مقام معظم رهبری فضای مجازی به قتلگاه جوانان تبدیل شده است. عزیزان در این قتلگاه جوانان حضور ما چقدر است؟ فعالیت ما چقدر است؟

ما در بیست و چهار ساعت شبانه روز چقدر در فضای مجازی وقت می‌گذاریم تا در کانال‌ها و گروه‌ها می‌رویم و شبهاتی که سلفی‌ها، یمانی‌ها یا فرق انحرافی دارند را پاسخ بدهیم؟

از این بالاتر آیا اصلاً ما دوره‌های تخصصی دیدیم و توانایی داریم در فضای مجازی با سلفی‌ها و وهابیت در فضای مجازی مبارزه کنیم و بجنگیم؟

مقداری جای تأسف است. کسانی که واقعاً موفق هستند «هنیئاً لهم»، اما کسانی که در این حوزه نیستند واقعاً زمان اینکه ما یک روایت یا آیه یا داستان یا شعر را بالای منبر برای مستمعین بخوانیم سپری شده و رفته است.

منظور بنده این نیست که منبر رفتن و سخنرانی برای مردم بد است. اگر از بنده که بیش از سی سال است در رسانه‌ها و فضای مجازی بودم، سؤال کنید می‌گویم که موارد ضروری‌تر از سخنرانی بر منبر داریم.

خداوند عالم به بنده توفیق داد تا بیش از دویست جلسه مناظره در خاک عربستان سعودی داشتم. بنده این عنایت را از باب:

«یا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۱،

ص ۳۰۴، ح ۱۹

عرض می‌کنم. مجموع بحث‌های بنده در سه جلد چاپ شده که در اینترنت موجود است. دوستان می‌توانند کتاب «قصة الحوار الهادي» ملاحظه کنند. ما کتاب‌های دیگری هم در حوزه پاسخگویی به شبهات داشتیم که از فضل خداوند عالم است.

به حق می‌خواهم عرض کنم بعضی از جوانان ما در فضای مجازی و گفتگوها شاهکارهایی انجام می‌دهند که من واقعاً تعجب می‌کنم. البته عنایات اهل بیت است. رسول گرامی اسلام در روز غدیر دعایی کردند و فرمودند:

«اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج

۱، ص ۵۵، ح ۲۰

این جوانان واقعاً کار می‌کنند، اما عزیزان حوزوی ما در این قتلگاه چه نقشی دارند معلوم نیست. من خیلی زیاد از کارهایی که عزیزان و بزرگواران ما می‌کنند اطلاعی ندارم. شاید بزرگوارانی باشند که در فضای مجازی کار می‌کنند و تنها به منبر و مسجد اکتفا نمی‌کنند.

شما در مسجد نهایت با هزار نفر در ارتباط هستید، اما در فضای مجازی وبلاگ می‌سازید یا گروهی راه اندازی می‌کنید که در عرض دو یا سه ماه سی یا چهل هزار نفر از وبلاگ شما بازدید کرده و استفاده می‌کنند.

حدود دوازده سال قبل فیلم فتنه‌ای در هلند ساختند که نمایندگان مجلس و دولت اعلام کرد نشر این فیلم ممنوع است. سازندگان این فیلم را در اینترنت گذاشتند که در طول ۲۴ ساعت هفت میلیون نفر از آن بازدید کردند.

مخالفین کاری انجام می‌دهند که در طول ۲۴ ساعت با هفت میلیون مخاطب حرف می‌زنند. حال بنده و جنابعالی ببینیم از اول تا آخر عمرمان چقدر مخاطب پای صحبت‌هایمان بودند. مقایسه بسیار مقایسه مع الفائده‌ای است.

شما مطلبی در وبلاگی می‌گذارید، سپس مشاهده می‌کنید شخصی از آن طرف دنیا از آمریکا یا کانادا یا روسیه یا چین از مطلب شما بازدید می‌کند، به طوری که به شما دسترسی هم ندارد. شما در خواب هم نمی‌دیدید که این مطلب را به آن افراد برسانید.

بنده سال ۱۳۹۲ مسافرتی به آمریکا داشتم که در مراکز اسلامی چندین ایالت سخنرانی کردم. بنده در کالیفرنیا بودم که تعدادی از دانشجویان از دانشگاه تورنتو کانادا به آنجا آمدند.

آن‌ها می‌گفتند: "ما تنها برای این آمدیم که از سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» تشکر کنیم. در دانشگاه ما که دویست و پنجاه هزار دانشجو دارد، هر شبهه‌ای که وهابیت مطرح کردند ما به سایت «مؤسسه ولی عصر» مراجعه کردیم و دیدیم جواب در آنجا هست.

تا به حال در طول چند سال که در آنجا هستیم، یک مورد اتفاق نیفتاد که شبهه‌ای مطرح شود و ما به این سایت مراجعه کنیم و جوابی پیدا نکنیم."

من به جوانان عزیز توصیه می‌کنم به سایت مؤسسه ما سر بزنند. اگر در گوگل «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» را جستجو کنید، می‌بینید که سطر اول نتایج نام «مؤسسه حضرت ولی عصر» خواهد آمد.

اگر دوستان به این سایت مراجعه کنند، می‌بینند که ما هر شبهه‌ای که امروز در فضای مجازی مطرح است را در سایت آوردیم. اگر دوستان چندین سایت از سایت بازدید کنند، معتاد می‌شوند و به هیچ وجه از آن دست برنمی‌دارند.

بنابراین تقاضای بنده از عزیزان و بزرگواران این است که مقداری وارد این فضا شوید. به فرمایش ائمه معصوم (علیه السلام):

«وَالْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوْائِسُ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۲۷، ح ۲۹

ما در خانه نشستیم و دائماً از خانه به مسجد و از مسجد به خانه می‌رویم. امروزه می‌بینید در گوشه و کنار ایران یمانی‌ها و «احمد الحسنی‌ها» هر روز از ما تلفات می‌گیرند و حوزویان ما، سپاهیان ما و ارتشیان ما جذب این فرقه‌ها می‌شوند.

روزی یکی از دوستان امنیتی سپاه به قم دفتر ما تشریف آورده بودند. ایشان می‌گفت: در قم بیش از دویست طلبه جذب یمانی شدند. اصلاً من مبهوت ماندم که چرا باید این چنین باشد!!

حوزویان ما به جای آنکه در برابر شبهات مقاومت کنند و پاسخ‌های کوبنده به طرف مقابل بدهند و کسانی که آلوده شدند را نجات دهند، خودشان جذب می‌شوند. من نمی‌دانم چه وضع و چه غوغایی است!!

بنده خودم با وهابیت مناظره داشتم، با کمونیست‌ها مناظره داشتیم، با صوفی‌ها مناظره داشتم، با چند قطب دراویش مناظره داشتم که همگی از فضل الهی است. بنده هیچ فرقه‌ای فاسدتر، بی‌محتواتر و احمق‌تر از یمانی ندیدم.

بنده تاکنون نتوانستم خود را قانع کنم که چرا یک طلبه جذب و مبلغ این فرقه می‌شود و روی چه اصلی است. حوزویان قرآن را خوب بلد هستند. «احمد الحسن» چندین مرتبه قرآن خوانده، به طوری که در یک آیه چندین غلط خوانده است.



او در کتاب خود نوشته است که حضرت ابراهیم بت پرست است، حضرت یونس در جهنم در آتش است و عذاب می‌کشد، در وجود امیرالمؤمنین ظلمت بود و اگر این ظلمت نبود علی به جای پیغمبر اکرم می‌نشست و لازم نبود رسول اکرم بیاید، در وجود امام حسین شرک است!

این مطالب جذب شدن دارد؟! حداقل وهابیت با وعده پول افراد را جذب خود می‌کنند. «شیخ حسین مؤید» در قم درس خارج تدریس می‌کرد.

بنده با گفتن این مطالب به هم می‌ریزم، اما ایشان حدود ۲۰۰ نفر شاگرد داشت و چندین سال در بعثه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در مکه بود.

ایشان به اردن رفت و در ازای پول کلانی که به او دادند، عمامه را کنار گذاشت وهابی شد و امروزه در شبکه‌های وهابی علیه شیعه تبلیغ می‌کند.

یکی از طلبه‌های فاضل ما در تهران در مدرسه آیت الله العظمی مجتهدی تهرانی که تقریباً در جهان نمونه است، به مالزی رفت. در مالزی وهابیت که دیدند او استعداد خوبی دارد پول کلانی به او دادند. او به امارات رفت و هرشب در «شبکه کلمه» علیه شیعه حرف می‌زند.

آن‌ها حداقل پولی گرفتند و چنین خود را فروختند. بنده روزی با «سید کمال حیدری» جلسه‌ای در منزلشان داشتم. شنیده بودم یمانی‌ها کسی را از عربستان سعودی فرستادند تا او را جذب خود کنند.

من به ایشان گوشزد کردم که مبانی آن‌ها چنین است، اما بعد دیدم ایشان کاملاً در جریان است. ایشان از من پرسید: حاج آقا یمانی‌ها به طرف مقابل پول می‌دهند تا جذبشان شود؟ من گفتم: نه از طرف پول می‌گیرند. ایشان گفت: اگر پول می‌گیرند من جذب نمی‌شوم!!!

وهابی‌ها پول می‌دهند، اما یمانی‌ها پول نمی‌دهند که هیچ به طرفداران خود توصیه می‌کنند که فرش زیر پای خود و ماشین و حتی کتاب خود را بفروشید و اسلحه تهیه کنید. وقتی امام ما «احمد الحسن» دستور داد آخوندهای حوزه را پانصد نفر پانصد نفر بکشیم!!

آن‌ها حتی حاضر نیستند که پول اسلحه را هم به اتباع خود بدهند و به آن‌ها دستور می‌دهند که شما ماشین و لوازم زندگی خود را بفروشید و اسلحه تهیه کنید.

فایل صوتی سخنرانی امام جمعه جعفرآباد قم موجود است. او به طلبه‌هایی که در خطبه نماز جمعه پای صحبت او نشستند، توصیه می‌کند که لوازم منزل خود را بفروشید و اسلحه تهیه کنید تا روزی که آمارمان به ده هزار نفر رسید قیام مسلحانه کنیم.

مراجع و حوزه علمیه قم مانع آمدن حضرت مهدی هستند. ما باید آن‌ها را بکشیم تا حضرت مهدی ظهور کند.

«عباس فتحی» یکی از شاگردان برجسته آیت الله العظمی جوادی آملی و مقرر درس ایشان بود که جذب یمانی شده است. یکی از کتاب‌های تقریر درس ایشان اثر «عباس فتحیه» است.

چند روز قبل دوستان کلپیی از ایشان برای بنده فرستادند. ایشان می‌گویند: ما باید سه نفر را از کره زمین برداریم تا یمانی‌ها خوب رشد کنند؛ اولین نفر آیت الله العظمی خامنه‌ای است، دومین نفر آیت الله العظمی سیستانی و سومین نفر آیت الله العظمی مکارم شیرازی است.

ما باید این سه نفر را از صفحه گیتی حذف کنیم تا بتوانیم فرهنگ یمانی و اهداف «احمد بصری» را گسترش دهیم.

آن‌ها کلپیی در فضای مجازی منتشر کردند که یک جوان ۱۵ ساله شمشیری به دست گرفته، آن را می‌چرخاند و ادعا می‌کند که من با این شمشیر دشمنان «احمد الحسن» را گردن می‌زنم.

او اسم مقام معظم رهبری را می‌برد و ادعا می‌کند که من باید با این شمشیر گردن ایشان را بزنم!! در مقابل ما فعلاً در مساجد مشغول کارهای سنتی خودمان هستیم.

در اطراف شهر شما یمانی‌ها افراد زیادی را جذب خود کردند. در تربت حیدریه پارسال قبل از ماه محرم یمانی‌ها به خیابان ریختند و علیه نظام جمهوری اسلامی تظاهرات کردند. دولت حدود ۷۰ تن از این افراد را دستگیر کرد.

قاضی این پرونده به ما در قم زنگ زدند و گفتند: ما این افراد را گرفتیم. آن‌ها حرف‌هایی می‌زنند که ما سر در نمی‌آوریم و جوابی برای آن‌ها نداریم. ما خلأ قانونی داریم و نمی‌توانیم جوابی به آن‌ها بدهیم.

ما امروز بعدازظهر با تعدادی از قضات و دادستان‌های نظامی شهر شما جلسه داشتیم. بنده خیلی تأسف خوردم که یکی از آقایان می‌گفت: ما خلأ قانونی داریم. آن‌ها عقیده دارند و عقیده هم جرم نیست!

من گفتم: این شخص ادعا می‌کند که من به برنامه‌های «احمد الحسن» ملتزم هستم و با این شمشیر می‌خواهم گردن مراجع را بزنم. آن‌ها ادعا می‌کنند باید مراجع را از صفحه گیتی برداریم. کسی که به «احمد الحسن» ایمان نیاورده کافر و مهدور الدم است!

آن‌ها معتقدند تصرف اموال غیر اتباع «احمد الحسن» برای اتباع او جایز است. کسی که به «احمد» ایمان آورده است می‌تواند اموال دیگران را تصرف کند و به او از شیر مادر حلال‌تر است. قضیه عقیده نیست، قضیه براندازی است!!!

شما می‌خواهید چکار کنید؟ شما منتظر هستید که چند تن از مراجع عظام تقلید و صد نفر از اساتید ما را بکشند و بعداً ادعا کنید که قضیه به قضیه ملی تبدیل شده و ما باید اقدام کنیم!!

شما نسبت به منافقین هم همینطور دست روی دست گذاشتید تا آن‌ها گسترش پیدا کردند و قیام مسلحانه به راه انداختند و هفده هزار نفر از عزیزان ما را از دست ما گرفتند. شما منتظر هستید که یمانی‌ها هم همانند منافقین گسترش پیدا کنند.

بنده بارها گفتم که والله العلی الاعلی خطر «احمد الحسنی‌ها» هم از داعش بیشتر است و هم از منافقین بیشتر است.

من در قم برای دوستان روحانی می‌گویم به خاطر دینمان نه، بلکه به خاطر خودمان هم که شده باید وارد شویم. هدف اصلی این افراد نابودی ما طلاب و حوزویان است. ما به خاطر حفظ خودمان هم که باشد باید حرکتی انجام بدهیم.

بنابراین خواهش بنده از همه عزیزان این است که مقداری مبادی اعتقادی یمانی‌ها را مطالعه کنید. اگر دوستان به سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» وارد شوند، در قسمت فارسی در قسمت چپ بخش «فتنه احمد الحسن» مشخص است.

ما در این بخش دست آن‌ها را کاملاً رو کردیم. ما حدود سیصد مورد از کتاب‌های آن‌ها را صفحه به صفحه و جلد به جلد و سطر به سطر کار کردیم. بنده کلیپی از آثار و ادعاهای باطل آن‌ها درست کردیم.

بنده قول دادم که این کلیپ را تنظیم کنم و به دوستان بدهم تا آن دسته از بزرگواری که می‌توانند کار کنند روی این کلیپ کار کنند. عمده مباحث «احمد الحسن» ده یا پانزده صفحه پاورپوینت بیشتر نیست.

بنده به دوستان توصیه می‌کنم خوب است برای ارائه معارف دینی بتوانیم از ظرفیت‌های روز همانند پاورپوینت استفاده کنیم.

مشاهده کنید کسی که کارخانه شکلات سازی دارد، جعبه شکلات را چند برابر قیمتی‌تر از قیمت خود شکلات درست می‌کند. دلیل این نوع تبلیغ کردن این است که جعبه شکلات است که مشتری را به خود جذب می‌کند. بنابراین اگر ما معارف دینی را در قالب‌های زیبا ارائه بدهیم، مخاطبین و جوانان ما جذب می‌شوند. بنده تک تک ادعاهای باطلی که ایشان دارد را آوردم و تک تک کتاب‌های او را مطالعه کردم.

کتاب «الوصية المقدسة» اثر «سید أحمد الحسن أبا صالح» یکی از کتب اوست. یکی از فضیلت‌های حوزه علمیه قم برنامه‌های «سید کمال حیدری» را پیاده می‌کرد. او به یمانی‌ها پیوست و در حال حاضر عقل منفصل مجموعه «احمد الحسن» شده است.

او در کتاب خود در خصوص «احمد الحسن» می‌نویسد: «إنه إمامٌ من آل محمد!! ما هم روی کتاب‌های عربی «احمد الحسن» کار کردیم و هم روی ترجمه کتاب‌های او به زبان فارسی کار کردیم. در این کتاب نوشته است: "او امام سیزدهم است"، "او وزیر است"، "او رسول است".

ما در کنار ادعای او روایتی از امام صادق (علیه السلام) آوردیم که حضرت در خصوص ادعای امامت می‌فرماید:

**«مَنْ ادَّعى الإِمَامَةَ وَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ»**

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۷۲، ج ۲

ما در یک سمت ادعاهای او را آوردیم و در یک سمت از کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۳۷۲ روایتی از امام صادق آوردیم. در روایت دیگر وارد شده است:

«وَاللَّهُ مَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا حَشْرَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَعَ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۶،

ص ۳۵۷، ح ۲۲۶

همچنین در مورد او ادعا می‌کنند که او وزیر یا نماینده امام است. یک سری حرف‌هایی می‌زنند که انسان واقعاً تعجب می‌کند یا تأسف می‌خورد. ادله پوشالی مطرح می‌کنند و ادعا می‌کنند که برای اثبات حقانیت ما اگر نیت کنید خواب می‌بینید.

طرفداران «احمد الحسن» به افراد زنگ می‌زنند که شما در شب جمعه خواب می‌بینید. اتفاقاً در همان شب هم خواب می‌بینند. بعد از خواب به افراد می‌گویند شخصی که در خواب آمد و سلام کردید حضرت علی بود و آمده بود به شما دستور بدهد از «احمد» تبعیت کنید.

خانمی که در گوشه دیدید حضرت فاطمه زهرا بود. آن‌ها یک سری بافته‌هایی درست می‌کنند و به خورد مردم می‌دهند. لازم به ذکر است که این افراد جادو و هیپنوتیزم و سحر بلد هستند و دوره‌های مختلفی در بریتانیا و هند و چین دیده‌اند.

یمنی‌ها غالب طلبه‌های ما را با سحر و جادو زیر کمند خودشان آوردند. ما هیچ شک و شبهه‌ای نداریم که یک طلبه فاضل حوزه علمیه و استاد و مدرس مکاسب و رسائل و کفایه جذب مزخرفات شود.

ما از این افراد می‌پرسیم که کدام یک از انبیاء برای اثبات حقانیت خود به خواب استدلال کرده است؟ کدام یک از انبیاء به مردم گفته است که اگر بخواهید بدانید که من پیغمبر خدا هستم خواب می‌بینید؟ کدام یک از ائمه گفته است که شما خواب می‌بینید من امام به حق هستم؟

این در حالی است که امام صادق (علیه السلام) در کتاب «کافی» می‌فرماید:

## «فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَرَى فِي النَّوْمِ»

دین خدا گرامی‌تر از آن است که صحت و سقم آن با خواب معلوم شود.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۳،

ص ۴۸۲، ح ۱

در روایت دیگر وارد شده است:

### «أَنَّ النُّومَ لَا تَثْبُتُ بِهِ الْأَحْكَامُ»

آن‌ها همچنین به افراد توصیه می‌کنند استخاره کنید و اگر استخاره خوب آمد، بدانید که «احمد الحسن» حق است.

وقتی آن‌ها استخاره کردند و استخاره بد آمد، به او نامه نوشتند و از او پرسیدند: استخاره ما بد آمد، چکار کنیم؟ او در جواب گفت: نیت شما خراب بود، دومرتبه استخاره کنید. بازهم استخاره کردند و بد آمد، از او پرسیدند و او گفت: شما انسان گنهکاری هستید.

مرحوم آیت الله العظمی کافی می‌گفت: شخصی نزد من آمده بود و از من درخواست کرد که برایش استخاره کنم. من استخاره کردم و بد آمد. او درخواست کرد که بازهم استخاره کنم، استخاره کردم و بازهم بد آمد.

او بازهم درخواست کرد برای سومین بار استخاره کنم و من بازهم استخاره کردم و بد آمد. شخص گفته بود: شما بیکار هستید و من هم بیکارم. به قدری استخاره کنید که خوب بیاید.

شما به کتاب «عقائد الإسلام» و «المتشابهات» او مراجعه کنید. افراد دائماً به او نامه می‌نویسند و تماس

می‌گیرند که استخاره کردیم و بد آمد. او در نهایت عصبانی می‌شود و می‌گوید: تو خباثت باطن داری که استخاره‌ات خوب نمی‌آید.

خواب دیدن در حقیقت روش منحرفه بوده است. مشاهده کنید همین کسانی که جذب بهائیت شدند همین روش را دارند.

ما عقاید «احمد بصری» و یمانی را با عقائد «علی محمد باب» و «حسینعلی بهاء»، «نقطه اولی» و دیگر افراد از این قبیل بررسی کردیم. در نتیجه بیش از پنجاه مورد وجه شبه و عین هم پیدا کردیم.

به عنوان مثال حرفی که «علی محمد باب» زده است، عین حرفی است که «احمد بصری» میزند. حرفی که «حسینعلی بهاء» زده است، عین حرفی است که یمانی‌ها می‌زنند.

در کتب «احمد الحسن» وارد شده است کسانی که جذب «حضرت بهاء» یا «نقطه اولی» شدند، به خاطر این بود که در خواب برای آن‌ها کشف شد که «نقطه اولی» حق است و او پیغمبر اولوالعزم است که بعد از پیغمبر اکرم آمده است.

مشاهده کنید «قادیانیه» چه مطالبی برای حقانیت این فرقه باطل دارند که متوسل به خواب و استخاره می‌شوند. این در حالی است که امام صادق در مورد استخاره می‌فرماید:

### **«لا تتفعل بالقول»**

فرمایش امام صادق نهی است و نهی هم در مرتبه اول دلیل بر نهی تحریم است، نه تنزیل. حال طرفداران «احمد الحسن» سفارش می‌کنند که شما استخاره باز کنید و ببینید که استخاره چطور می‌آید.

او موارد زیادی اهانت به پیامبران الهی و ائمه اطهار دارند که بنده به آن‌ها اشاره کردم، اما تنها برای نمونه به یک مورد اشاره می‌کنم.



او در موارد زیادی انکار خاتمیت می‌کند و ادعا می‌کند که اگر کسی بگوید نبوت با آمدن حضرت محمد خاتمه یافته است، اشتباه می‌کند و اسلام را نفهمیده است. من هم مقام نبوت و هم مقام رسالت دارم. کفر و ارتداد از این بالاتر!!!

شما مصداقی برای ارتداد برای ما بیاورید که از انکار خاتمیت شدیدتر باشد. ادعای او انکار قرآن کریم است، درحالی‌که خداوند متعال می‌فرماید:

**(مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ)**

محمد پدر هیچیک از مردان شما نبود، ولی رسول خدا و خاتم و آخرین پیامبران است.

**سوره احزاب (۳۳): آیه ۴۰**

مهم‌تر از همه در کتاب «نبوت خاتمه» که تألیف خود اوست، وارد شده است:

**«أَنَّ لِلأئمةِ و للمهديينِ مقام النبوةِ و هم رسل»**

«ائمه» که دوازده امام است و خودشان هم در رأس «مهدیین» قرار دارند. ادعای او خیلی واضح است و قابل توجیه هم نیست. از طرف دیگر امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

**«مَنْ قَالَ إِنَّا أَنْبِيَاءُ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، وَ مَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ»**

**رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد**

**بن الحسن / مصطفوی، حسن، ص ۳۰۱، ح ۵۴۰**

ما باید حرف او را ارائه بدهیم و جمله امام صادق را هم ارائه بدهیم. قطعاً جوان با دیدن این تناقضات جذب فرقه فاسد نمی‌شود.

علاوه بر این او به ائمه اطهار (علیهم السلام) اهانت کرده است و در ترجمه کتاب «المتشابهات» می‌گوید: اگر منیت و ظلمت کم در وجود علی نبود، علی همان محمد می‌شد.

آیه تطهیر و آیه اولی الأمر و سوره هل اُتی در حق امام حسین نازل شده است، حال این شخص ادعا می‌کند که در وجود امام حسین شرک بوده است. به نظر او تنها کسی که وجودش از شرک و منیت مبرا است، خود اوست.

او همچنین نسبت به مراجع عظام تقلید تعابیر وقیحی دارد که والله وهابی‌ها تا الآن چنین توهینی به مراجع ما نکردند. شما تنها تعابیر را نگاه کنید و من دیگر آن‌ها را نمی‌خوانم. ادبیات آقایان نسبت به مراجع عظام تقلید چنین است!!!

آن‌ها همچنین نسبت به مقام معظم رهبری تعابیر وقیحی دارند که در گروه‌هایشان است. جالب اینجاست که یکی از مدعیان یمانی می‌گوید: بگذارید نسبت به مقام معظم رهبری بت شکنی کنم. عمر بن خطاب در سقیفه بدون حتی یک دلیل حاکم شد.

حال این شخص آنقدر سواد ندارد که بداند کسی که در سقیفه حاکم شد ابوبکر بود، نه عمر!! حال این شخص با این سواد می‌خواهد بت شکنی کند. این افراد طلبه حوزوی ما هستند، نه شترچران و الاغ چران بیابان.

این افراد که به قول خودشان صاحب فضل هستند، چنین تعابیری به کار می‌برند. او همچنین می‌نویسد: رهبری ایران طاغوت زمان است.

این موارد یک سری بحث‌هایی است که امروزه در اطراف ما، در استان ما، در شهر ما، در کشور ما، در اطراف کشور به وجود آمده و هر روز قدم به قدم و سنگر به سنگر جلوتر می‌آیند.

تکلیف و وظیفه ماست که روشنگری و افشاگری کنیم و حقیقت را برای مردم بیان کنیم و مردم را بیدار کنیم. البته بیدار کردن چنین نباشد که مردم را به دست خودمان بزرگ کنیم. این کار فوت و فنی دارد که الآن فرصت بیان کردن آن نیست.

بنده از همه عزیزان و بزرگواران و اجلاء خیلی تشکر می‌کنم. ان شاءالله که عزیزان ما را هم در دعاهای خیرشان شریک و سهمیم کنند و ما را از دعای خیرشان فراموش نکنند. عرایضی بود که خدمت عزیزان عرض کردیم.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال

شاید بعضی از کلمات ما به مزاق دوستان خوش نیامده باشد. ما همه را به عنوان عزیز خودمان می‌دانیم. اگر عبارت تندی گاهی اوقات به زبان ما می‌آید به این دلیل است که می‌سوزیم، زیرا در داخل آتش هستیم و شبانه روز با این تعابیر سروکار داریم.

حال بنده بعضی از تعابیر و فحاشی‌های ساده را خدمت شما بیان کردم. آن‌ها فحش‌های کیک‌ی به مراجع و بزرگان ما می‌دهند که اراذل و اوباش بلد نیستند چنین فحش‌هایی به همدیگر بدهند.

بنده گاهی اوقات چیزهایی از این افراد می‌شنوم که تا به حال در عمرم نشنیدم و چنین تعابیری در هیچ جایی نخواندم. این افراد از غفلت ما سوء استفاده می‌کنند. امیدوارم که خداوند عالم همه ما را به وظایفمان آشنا کند.

خدایا تو را به آبروی امیرالمؤمنین سوگند می‌دهم فرج فرزند علی حضرت حجة بن الحسن را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری را موفق و مؤید بدار. خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد به همه مجاهدین به ویژه مجاهدین ما در یمن نصرت نهایی عنایت بفرما.

خدایا از همه گرفتاران رفع گرفتاری کن. خدایا عزیزان ما در کشمیر که گرفتار هستند به حق حضرت زهراى مرضیه از گرفتاری شدید نجات عنایت بفرما. خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد حوائج جمع ما را برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته